

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: نیتز اویم - ویلخ ۵۷۸۰

چگونگی بازسازی یک ملت

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Nitzavim - Vayelech 5780

How to Renew a Nation

تلمود، تفسیری هوشمندانه از این جمله دارد: "موسی تورات را همچون میراثی برای جماعت ایسرائل به ما اعطا کرد." رقم دستورها ۶۱۳ نیست، بلکه ارزش عددی واژه تورا معادل ۶۱۱ است، یعنی در واقع، موسی ۶۱۱ دستور به ما داد، در حالی که بنی اسرائیل دو دستور دیگر یعنی "من هستم خداوند، خدای تو" و "نباید هیچ خدای دیگری جز مرا پرستش کنی"، (دو فرمان اول ده فرمان) را نه از موسی، بلکه مستقیماً از خدا دریافت کردند.¹

حکیمان تلمودی در اینجا تمایز متفاوتی را پیشنهاد کرده اند. موسی به ما ۶۱۱ دستور داد و در پایان در پاراشای ویلخ دو فرمان فراگیر درباره همه فرمان های دیگر داد. یکی هاخل یعنی دستور گردآوردن مردم هر هفت سال برای خواندن همگانی فصول کلیدی تورات؛ و دیگری

¹ Makkot 23b-24a.

آیه "اینک برای خود این سرود را بنویسید" (تثنیه ۱۹:۱۳) که سنت تلمودی آنرا دستوری می داند برای نوشتن یا مشارکت همگان در نوشتن تومار تورات برای خود. این دو دستور از دیگر دستورها متمایز شده اند. این دستورها در سفر دواریم [تثنیه] پس از دوره کردن تورات، شرح برکت ها و نفرین ها و مراسم تجدید عهد آمده اند. آنها در روایتی که موسی رهبری را به یهوشوع می سپرد آمده اند. ارتباط آنها با هم این است که هم دستورها و هم روایت درباره تداوم یهودیت هستند. دستورها می خواهند تضمین کنند که تورات هرگز کهنه نخواهد شد، در هر نسل از نو نوشته خواهد شد و هرگز از سوی مردم به فراموشی سپرده نخواهد شد و همیشه قانون اساسی فعال آنها همچون یک ملت خواهد بود. ملت هرگز اصول بنیادین، تاریخ، هویت و حفاظت از گذشته و مسئولیت نسبت به آینده خود را رها نخواهد کرد.

به جنبه تکمیلی متقابل و زیبای این دو قانون توجه کنید. هاخل یا مجلس ملی به کل ملت گفته می شود. نوشتن یک تومار تورات کار افراد است. این اساس سیاست استوار بر عهد است. ما مسئولیت فردی داریم و مسئولیت جمعی. به بیان هیلل "اگر من برای خودم نباشم، چگونه آدمی هستم؟ ولی اگر فقط برای خودم باشم، چگونه حیوانی هستم؟" در یهودیت، برعکس حکومت های توتالیتتر، دولت همه چیز نیست. افراد نیز در یهودیت برعکس دمکراسی های لیبرال تندرو همه چیز نیستند. یک جامعه استوار بر عهد بر اساس قبول مسئولیت هر فرد در برابر همه است و تعهد افراد برای خیر همگانی. از این رو سفر تورا که قانون اساسی ملت ما است باید در زندگی فردی احیاء شود (دستور ۶۱۳) و در زندگی ملت احیاء شود (دستور ۶۱۲).

تورات، میصوای هاخل را این گونه توصیف می کند:

"در پایان هر هفت سال در سال الغای قرض ها در زمان جشنواره سایبان ها [سوکوت]، وقتی همه یهودیان در پیشگاه خداوند، خدای تو در مکانی که برخواهد گزید، گردمی آیند باید این تورات را برای آنها بخوانی و گوش بدهند. مردم از

مردان، زنان، کودکان و غریبان شهرهایت را گرد بیاور تا بتوانند گوش بدهند و بیاموزند و کلمات این تورات را به دقت پیروی کنند. فرزندان آنها که نمی دانند باید آنها بشنوند و بیاموزند تا زمانی که در سرزمینی زندگی می کنند که اینک برای رسیدن به آن از رود اردن می گذرید، هیبت خداوند، خدای تو را به دل داشته باشند." (تثنیه ۱۳-۱۰:۳۱).

به فراگیر بودن این رویداد توجه کنید. بی توجهی به شرایط زمان خواهد بود اگر بگوییم که تورات به معنای امروزی مساوات طلب بود. پس از قرن ها در ۱۷۷۶ نویسندگان اعلامیه استقلال آمریکا توانستند بگویند: "ما این حقایق را مبرهن می دانیم که همه انسان ها مساوی خلق شده اند"، در حالی که بردگی هنوز وجود داشت و هیچ زنی حق رای دادن نداشت. با این حال، تورات اهمیت داد که زنان کودکان و غریبان در مراسم شهروندی جمهوری ایمان مشارکت کنند.

چه کسی خواندن تورات را اجرا می کرد؟ تورات مشخصا در این باره چیزی نمی گوید، اما تلمود این نقش را متعلق به شاه می دانست. این بسیار مهم بود. به طور قطع، تورات دین و سیاست را از هم تفکیک می کند. شاه کوهن اعظم نبود و کوهن اعظم، شاه نبود.² این برخورداری انقلابی بود. تقریبا در همه جوامع باستانی راس حکومت، راس دینی نیز بود. این امری اساسی در دیدگاه بت پرستان نسبت به دین همچون ابزار قدرت بود.

اما شاه متعهد به تورات بود. او موظف بود که یک تومار تورات داشته باشد که مخصوص خود او نوشته شده بود. او می بایست آنها در زمان نشستن بر تخت شاهی همراه داشته باشد و "هر روز زندگی خودش" (تثنیه ۱۸-۲۰:۱۷) آنها بخواند. اینجا نیز شاه با خواندن تورات برای

² This rule was broken by some of the Hasmonean Kings, with disastrous long-term consequences.

مردم گردآمده در هر هفت سال نشان می داد که ملت همچون یک واحد سیاسی زیر سایبان مقدس کلام خدا وجود داشت. ما یک ملت هستیم و به گفته شاه بر محور یک عهد شکل گرفته ایم. اگر این عهد را نگه داریم پیشرفت خواهیم کرد؛ اگر نه، شکست خواهیم خورد.

مشه بن مایمون این مراسم را چنین توصیف می کند:

شیپورها در سراسر یروشالایم می نواختند تا مردم را گرد آورند؛ سکوی چوبی و بلند آورده می شد و در میانه قسمت زنان قرار می گرفت. شاه بالا می رفت تا خواندن او شنیده شود... خزان جماعت [پیش نماز] یک تومار تورات در دست می گرفت و آنرا به دست ریاست نیایشگاه می داد، او نیز آنرا به کوهن گادول می داد و او نیز آنرا به شاه می داد تا به او افتخار نیایش همگانی را بدهد... شاه بخش های یاد شده را تا آخر می خواند. سپس او تومار تورات را می بست و دعای برکتی می خواند به سیاقی که در نیایشگاه خوانده می شد... تازه یهودی شده هایی که عبری نمی دانستند، می بایست قلبا با همان احترام و حس هیبت عظیمی گوش بدهند که در روز اعطای تورات در کوه سینا اتفاق افتاده بود. حتی بزرگترین هخامیم که کل تورات را از حفظ بودند باید با نهایت توجه گوش می سپردند... هر کسی می بایست خود را این گونه ببیند که گویی اینک برای نخستین بار تورات را دریافت می کرد و می بایست آنرا از زبان خدا در کوه سینا بشنود، زیرا شاه سفیری بود که کلام خدا را بازمی خواند.³

مشه بن مایمون در حالی که عظمت مراسم را به ما نشان می دهد، یک نظر انقلابی دارد: این که مراسم هاخل، گونه ای بازسازی اعطای تورات در کوه سینا است - " که در روز اعطای تورات در کوه سینا اتفاق افتاده بود"، "می بایست آنرا از زبان خدا در کوه سینا بشنود" - و

³ Mishneh Torah Haggigah 3:4-6.

چنین است مراسم احیای عهد. او چگونه به این نظر رسید؟ بی تردید از روی توصیف موسی از اعطای تورات در پاراشای ویتخان:

در آن روز که در کوه حورب در برابر خداوند، خدای خود ایستادید، وقتی خدا به من گفت: "گرد بیاور [هاخل] مردم را نزد من تا بگذارم آنها کلام مرا بشنوند و احترام به من را بیاموزند تا وقتی در زمین زنده هستند و باشد که آنها به فرزندان خود بیاموزند." (تثنیه ۴:۱۰)

کلماتی که زیر آنها خط کشیده ایم همگی در دستور مراسم هاخل تکرار شده اند، به ویژه واژه *هاخل*، که فقط در یک جای دیگر تورات تکرار می شود. به این ترتیب، رویداد کوه سینا هر هفت سال یک بار در یروشالایم بازسازی می شد و این گونه، ملت از مرد و زن و کودک و غریب تعهد خود در برابر اصول بنیانگذار یهودیت را تجدید می کرد.

تورات، کتب انبیاء و کاتبان توصیفی زنده از مراسم واقعی احیای عهد در دوران یهوشوع به دست می دهند (یهوشوع ۲۴)، دوران یوشع (کتاب دوم پادشاهان ۲۳)، دوران عسا (کتاب دوم تواریخ ایام ۱۵) و دوران عزرا و نحمیا (نحمیا ۸-۱۰). اینها لحظه هایی تاریخی بودند که ملت آگاهانه پس از دوره طولانی خمودگی دینی، دوباره خود را متعهد می ساختند. به خاطر هاخل و تجدید عهد، اسرائیل تا ابد توان جوان سازی خود و بازسازی آنچه را یرمیا نبی "سرسپردگی به دوران جوانی خود" نامید، یافت. (یرمیا ۲:۲)

بر سر رسم هاخل در طول ۲۰۰۰ سالی که اسرائیل پادشاه، کشور و معبد و یروشالایم نداشت، چه رفت؟ برخی از هخامیم این نظر جالب را بیان کرده اند که هدف *minhag Eretz Yisrael* رسم یهودیان در داخل و خارج از اسرائیل برای خواندن تورات نه سالی یک بار، بلکه هر سه سال یا سه سال و نیم یک بار که تا قرن سیزدهم ادامه یافت، ساختن یک چرخه

هفت ساله بود، طوری که دومین دور خواندن در زمانی تمام می شد که هاخل یعنی سوکوت قبل از سال شمیطا (هر هفتمین سال در زمان سیمخا توراها) شروع می شد.⁴

من پاسخی به کلی متفاوت پیشنهاد می کنم. نهاد خواندن تورات در صبح شبات که به دوران باستان بازمی گردد، در دوران های تبعید و پراکندگی معنای جدید پیدا کرد. رسومی هستند که ما را به یاد هاخل می اندازند. توراها مانند زمانی که شاه در مراسم هاخل و عزرا در کنست بالای *bimah* یک سکوی چوبی بلند می ایستادند. توراها خوان هرگز تنها نمی ایستد: اغلب سه نفر بالای *segan*، توراها خوان وفردی که به توراها فراخوانده می شود که نماینده های خدا، موسی و بنی اسرائیل هستند.⁵

بنابه نظر بیشتر مفسران هلاخا خواندن توراها یک *hovat tzibbur* یا تعهد جماعت است، برعکس مطالعه توراها که یک *hovat yahid* یا تعهد فردی است.⁶ بنابر این، من معتقدم که *keriat ha-Torah* را نباید "خواندن توراها" بلکه "اعلام توراها" ترجمه کرد. خواندن توراها معادل هاخل برای ما است که به جای هر هفت سال به هر هفت روز انتقال یافته است.

برای افراد ممکن نیست که برای همیشه جوان بمانند، چه رسد برای ملت ها. ما دچار لغزش می شویم و راه گم می کنیم، حواسمان پرت می شود و هدف خود و به دنبال آن انرژی و انگیزه خود را گم می کنیم. من باور دارم که بهترین راه جوان ماندن این است که هرگز "سرسپردگی دوران جوانی خود" را فراموش نکنیم، یعنی آن تجربه های تعیین کننده ای که ما را ساخته اند و رویاهایی که در گذشته برای تغییر

⁴ See R. Elhanan Samet, *Iyyunim be-Parshot ha-Shevua*, 2nd series, 2009, vol. 2, 442-461.

⁵ Shulchan Aruch, Orach Hayim 141:4, and commentary of Levush ad loc.

⁶ This is the view, regarded by most as normative, of Ramban. See e.g. Yalkut Yosef, Hilchot Keriat ha-Torah.

دنیا و تبدیل آن به مکانی بهتر، عادلانه تر و از نظر معنوی، زیباتر داشته ایم. هاخل هدیه خداحافظی موسی به ما بود که به ما نشان داد چگونه چنین طرحی را اجرا کنیم.

شبات شالوم



برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط

شیریندخت دقیقیان Shirin D. Daghighian Persian Translation by